

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

بررسی رابطه ادبیات و محیط زیست در اشعار معاصر

امیر محمد کاظمی

(دانشگاه گلستان گرگان)

، سینا کاظمی

(دانشگاه فرهنگیان پردیس آیت الله خامنه ای)

Email:Amirkazemi065@gmail.com

Email:sinakazemisina@gmail.com

چکیده

با نگاه زیست محیطی به ادبیات می توان ضمن واکاوی و ارزیابی نگاه انسان به طبیعت و چگونگی تعامل او در طول تاریخ با طبیعت پیرامون خویش، زمینه را برای شکل گیری آثاری فراهم آورد که با در نظر گرفتن ملاحظات زیست محیطی نگرش تازه ای به طبیعت عرضه کنند. در این پژوهش با مطالعه آثار برخی از شاعران معاصر همچون نیما یوشیج، سهراب سپهری و احمد شاملو ضمن بررسی نگاه این شاعران به طبیعت، تأثیر و تقابل ادبیات و محیط زیست، رویکرد شاعران نسبت به مباحث و مسائل زیست محیطی و همچنین روابط انسان با طبیعت بررسی شده است. درباره دست آورد این پژوهش باید گفت؛ شعر نیما، سرا سر یگانگی با طبیعت است که میتوان آن را حاصل نگاه دقیق و آمیختگی او با طبیعت دانست در نظر، نیما انسان و طبیعت دو جزء جدایی ناپذیرند در شعر نیما طبیعت با عناصر زیبای خود همواره مایه آرامش نشاط و شادمانی بشر بوده است. در شعر سهراب نیز وجود انسان بسیار کمرنگ است؛ اما در مقابل به محیط پیرامون توجه ویژه ای دارد. او با بازگشت به طبیعت به دنبال سادگی گذشته و مناظر بکر طبیعی، است ارتباط سپهری با طبیعت ارتباطی بی واسطه است، سهراب با تأمل در هستی به مرحله جدیدی از آگاهی و تجربه دست یافته است؛ این آگاهی موجب شده تا در برابر طبیعت و مظاهر آن فروتنی پیشه کند و همواره حامی حقوق محیط پیرامون باشد. شاملو، کودک انسان را عصاره ای از پیوند اساطیری عناصر طبیعت میداند او در انتظار روزهایی روشن و سراسر مهربانی است؛ روزهایی که عشق و دوستی بر همه جای جهان حکم فرما شود تا جایی که سایر جانداران نیز از این عشق و مهربانی بهره مند شوند. به طور کلی شاعران میتوانند با شیوه های بیانی، مختلف مشکلات زیست محیطی را به تصویر بکشند و راهی برای بیرون رفتن از بحران های زیست محیطی ارائه دهند.

کلمات کلیدی: ادبیات، محیط زیست، معاصر.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱. مقدمه

یکی از بزرگ ترین مسائلی که بشر امروز با آن درگیر است مسأله مهم و حیاتی محیط زیست است. حل این بحران بدون همکاری و همفکری متخصصان علوم مختلف با یکدیگر، امکان پذیر نخواهد بود. امروزه مسائل مربوط به محیط زیست به سبب برخورداری بودن از اهمیت بالا ابعادی فراملیتی پیدا کرده است و بشر امروز را بر آن داشته است تا در جهت حل آن گامهایی هرچند کوچک بردارد. در شرایط کنونی به سبب استفاده های نادرست از محیط زیست و اکتشافات جدیدی که روز به روز بر تعداد آنها افزوده می شود، شاهد آن هستیم که بر مشکلات و معضلات محیط زیست نیز همواره افزوده می شود بحران حاصل از رویارویی و برخورد انسان با طبیعت و کاربرد علوم و فناوریهای جدید، امروزه به امری نگران کننده تبدیل شده است. خطرهایی که در اثر سلطه و حاکمیت انسان بر طبیعت به وجود آمده است، بسیار مشهود است این سلطه از زمانی شکل گرفت که شعار انسان محوری در جای جای جهان طنین انداز شد. در واقع همه این بحران ها ناشی از طبیعت آزمندانه بشر است که در تلاش مداوم برای اهلی کردن طبیعت رخ داده است. از سوی دیگر، برای از بین بردن این پیامدهای ناگوار باید از شاخه های مختلف علوم انسانی کمک گرفت. بهره گیری از شاخه های مختلف باعث می شود تا راه حل ها و راهکارهایی مؤثر در حل مشکلات مربوط به محیط زیست در حوزه های، ادبیات فلسفه دین و اخلاق پیشنهاد شود تا ضمن شناخت محیط زیست و مشکلات آن، پیشنهادهایی برای رفع بحران زیست محیطی مطرح شود اهمیت این موضوع باعث شده است تا پژوهشگران علوم مختلف به فکر یافتن راه حلی برای آن باشند؛ از جمله این پژوهشگران می توان به افرادی اشاره کرد که در زمینه ادبیات و محیط زیست به بررسی رابطه این دو با یکدیگر می پردازند و به دنبال این نکته هستند که آیا ادبیات میتواند نقش به سزایی در انتقال اندیشه های زیست محیطی ایفا کند؟

درک انسان از واقعیات دنیای پیرامون خود تحت تأثیر عوامل متعددی است که ادبیات یکی از مهم ترین آنها محسوب می شود؛ ادبیات هر ملت را میتوان ابزاری قدرتمند دانست که به تفکر، شناخت و همچنین به رفتار فرد و جامعه شکل میدهد و در پیدایش فرهنگ تمدن، اندیشه روحیات و اندوخته های ذهنی افراد آن ملت نقش به سزایی برعهده دارد آثار ادبی همانند دیگر آثار هنری بازتاب دهنده محیطی هستند که در آن خلق میشوند و تعهد، شاعر، نویسنده و هنرمند هراندازه نسبت به زیست بومش بیشتر باشد، بازتاب محیط در آثار وی گسترده تر خواهد بود. برخی از اندیشمندان، ریشه پریشانی انسان را در شروع قرن نوزده، بیگانگی او با طبیعت میدانند؛ بیگانگی از طبیعت موجب برجای ماندن آثار مخرب بر محیط پیرامون می گردد؛ به دنبال این اصل برخی از شاعران معاصر بازگشت به طبیعت و یکی شدن با طبیعت را رویه کار خویش قرار داده اند.

با نگاه زیست محیطی به ادبیات میتوان ضمن واکاوی و ارزیابی نگاه انسان به طبیعت و چگونگی تعامل او در طول تاریخ با طبیعت پیرامون خویش زمینه را برای شکل گیری آثاری فراهم آورد که با در نظر گرفتن ملاحظات زیست محیطی نگرش تازه ای به طبیعت عرضه کنند؛ به گونه ای که به اصلاح رابطه انسان با طبیعت بینجامد؛ نقد زیست محیطی که در ادبیات مطرح میشود درصدد آشنایی زدایی از فضای زیست و مسئول نمودن شهروندان در قبال فضای زندگیشان است. این موضوع اگرچه مسأله ای است که طی سال های اخیر در جهان مطرح شده اما بی رحمی بشر با طبیعت از نگاه تیزبین شاعران بسیاری از گذشته تا به امروز دور نمانده و در ادبیات ملت ها به تصویر کشیده شده است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بحران کنونی محیط زیست در جهان کارشناسان علوم مختلف را بر آن داشته است تا هر یک برای حل آن گامی بردارند. این نگرانی‌ها موجب شکل‌گیری گرایش‌های نوینی گشت. در نتیجه تلاش‌های صورت گرفته برای حل این بحران مطالعات بینارشته‌ای میان علوم مختلف از جمله علوم انسانی و علوم طبیعی و همین‌طور ادبیات و محیط زیست شکل گرفت «نقد بوم‌گرا در زمره این مطالعات بینارشته‌ای است که دو حوزه ادبیات و محیط زیست را به هم می‌پیوند[۱]. به طور کلی با افول نظریه‌های ساختارگرایی پس‌اساختارگرایی و ساخت‌گشایی از آغاز دهه ۱۹۹۰ میلادی تاکنون شاهد تمایل بسیاری از منتقدان جهت بهره‌گیری از روش‌شناخت‌های علمی مورد استفاده در دیگر علوم در حیطه پژوهش‌های ادبی هستیم. بوم‌گرا، از جدیدترین رویکردها در مطالعات ادبی حاصل همین دیدگاه است. نظریه ادبی بوم‌نقد بر مطالعه (بینارشته‌ای) ادبیات و زیست‌بوم در ارتباط با یکدیگر تأکید دارد. شناخت و بهره‌گیری از نظریه و نقد ادبی نوین نه تنها چارچوبی نظری برای مطالعات ادبی فراهم می‌آورد بلکه موجب نوآوری در پژوهش نیز می‌شود در این پایان‌نامه کوشش می‌شود تا ضمن بررسی پیشینه، اصول روش‌شناسی و کاربرد نظریه ادبی بوم، نقد متون نظم معاصر فارسی از این منظر ارزیابی و تحلیل شود بدین منظور با بررسی اشعار چهار تن از شاعران معاصر حوزه ادبیات فارسی (نیما یوشیج، سهراب سپهری و احمد شاملو)، بر اساس تقسیم‌بندی‌های مورد نظر، بازتاب مسأله محیط زیست در شعر معاصر فارسی و دیدگاه شاعران معاصر ایرانی به محیط زیست را بررسی کنیم و به ارتباط دانش بوم‌شناسی و مطالعات ادبی بپردازیم.

۲. محیط زیست^۱

طبیعت و محیط زیست، موهبتی خداوندی است که از مجموعه موجودات منابع، عوامل و شرایطی که در اطراف هر موجود زنده وجود دارد و ادامه حیات به آن وابسته است به وجود می‌آید. محیط زیست، محل زندگی و تأمین‌کننده اصلی‌ترین نیازهای انسان است که هر روز بر اهمیت آن افزوده می‌گردد. «محیط زیست به عنوان یک اسم اولین بار در یک سوم اول قرن نوزدهم میلادی معرفی شد (فرهنگ لغت OED)، تامس کارلایل را به عنوان اولین استفاده‌کننده از این واژه می‌شناسد در ابتدا به قلمرو فرهنگی دلالت داشت؛ اما پس از آن اغلب برای اشاره به محیط‌های فیزیکی استفاده شد. محیط زیست می‌تواند بر محیط اطراف یک فرد، یک گونه جانوری یک اجتماع یا در کل بر اشکال حیاتی دلالت داشته باشد.» [۲]. امروزه مفاهیم گوناگونی از محیط زیست ارائه می‌کنند؛ از جمله: آب و هوا، جنگل، کوه، حقوق حیوانات، راه‌های جلوگیری از آلودگی راه‌های مبارزه با عوامل مخرب طبیعت و... اصطلاح محیط زیست را میتوان به یک منطقه محدود و یا تمامی یک سیاره و حتی به فضای بیرونی احاطه‌کننده آن نیز اطلاق نمود که اصطلاحاً کره حیات یا بیوسفر نامیده میشود مصوبه شورای اقتصادی اروپا در سال ۱۹۶۷م. در تعریف محیط زیست می‌گوید که محیط زیست شامل آب هوا، خاک عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده است [۳].

محیط زیست را می‌توان مجموعه عوامل جاندار و بیجان دانست که در فضایی مشخص و در زمانی معین موجود زنده را تحت تأثیر خود قرار میدهند. محیط زیست همه چیز را دربر می‌گیرد؛ هم انسان، هم طبیعت و هم رابطه این دو را شامل میشود؛ به طوری که در کلیه فعالیت‌های بشر تأثیر گذار است؛ این درحالی است که انسان هم از طرق مختلف بر محیط خود تأثیر نهاده است. شاعران و نویسندگان نیز از این تأثیر و تأثر متقابل بی‌بهره نمانده‌اند. دیوید، میزل، محیط زیست را ساختی گفتمانی می‌انگارد؛ چیزی که واقعیتش را از چگونگی نوشتن، اندیشیدن و صحبت کردن ما در آن کسب می‌کند [۴].

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بنابر این محیط زیست واقعیتی خارجی و متکی به خود نیست؛ بلکه ساختی است حاصل تعامل گفتمان‌ها؛ به بیان دیگر اندیشیدن و گفتمان انسان هاست که پدیده‌ای به نام محیط زیست را به وجود می‌آورد.

۳. بوم‌شناسی ۲

بوم‌شناسی به ارتباط انسان و محیط زیست او می‌پردازد و ارتباط مجموعه‌ی زنده و غیرزنده را که به یک پایداری از تبادل ماده و انرژی رسیده‌اند، در بر می‌گیرد. بوم‌شناسی از ملزومات بوم‌نقد به حساب می‌آید؛ بنابراین بوم‌شناسی علمی است، درباره‌ی روش زندگی موجودات و روابط آن‌ها با یکدیگر و با محیط زیست خود [۵].

به طور کلی تلاش‌های موجود برای حفاظت از محیط زیست به دو جنبش بوم‌شناسی سطحی نگر و بوم‌شناسی ژرف‌نگر قابل تقسیم است:

- ۱- بوم‌شناسی سطحی: دیدگاهی که فقط به منظور تأمین منافع بشر، مانند سلامت، بقای نسل و معاش به محیط زیست و مسائل آن توجه دارد. بوم‌شناسی سطحی صرفاً به‌زیستی مردم را مد نظر قرار می‌دهد؛ ولی بایستی از این ارزشهای انسان مدارانه محض حرکتی به سوی ارزشهای زیست‌مدارانه صورت گیرد و کل حیات و محیط زیست مورد توجه قرار گیرد
- ۲- بوم‌شناسی عمیق یا ژرف: «اصل اساسی بوم‌شناسی عمیق معتقد به این است که محیط زیست به عنوان یک حقیقت کلی باید مورد احترام قرار گیرد این نگرش خود را برای این عمیق مینامد که به حقیقت رابطه انسان با جهان طبیعی عمیق‌تر نگاه میکند [۲].

بوم‌شناسی در ادبیات نمود خاص خود را دارد؛ به دنبال شناختی که خالقان آثار ادبی از زیست بوم اطراف خود به دست می‌آورند، در هر زیست بومی نوعی از ادبیات خاص آن زیست بوم شکل می‌گیرد. ادبیات هر گروه از مردم با توجه به محیط جغرافیایی اقلیم زندگی‌شان و اینکه با چه رنگ و پدیده‌هایی از نظر طبیعت و افق آشنا هستند فرق می‌کند مردمی که در ساحل دریا کنار جنگلهای سرسبز و ابرهای پرباران زندگی می‌کنند، با مردمی که در میان غبار و شن کویر خشک و سوزان آسمان بی‌ابر و آفتاب سوزنده زندگی می‌کنند، ادبیات متفاوتی خواهند داشت؛ بنابراین شناخت از زیست بوم موجب تفاوت نگاه، اندیشه و روحیات افراد آن زیست بوم میگردد که بازتاب مستقیم آن را میتوان در آثار ادبی و هنری چون شعر، داستان، سینما، نقاشی و... دید.

۴. ادبیات محیط زیستی و طبیعت نگاری

محیط زیست نگاری یا ادبیات محیط زیستی در واقع مترادفاتی برای طبیعت نگاری محسوب می‌شوند. «هدف از کاربرد آنها اشاره به طیف کلیتری از معانی و بلکه به طیف وسیع‌تری از گونه‌های ادبی است. محیط زیست نگاری معمولاً - البته نه همیشه - به نثر غیر تخیلی دلالت می‌کند متون در هر یک از گونه‌های ادبی می‌توانند به عنوان ادبیات محیط زیستی به حساب بیایند.» [۵]. طبیعت نگاری به طور مختصر عبارت است از نوشته‌های غیر تخیلی که نگاه موشکافانه علمی درباره جهان ارائه می‌دهد (همانند سنت ادبی تاریخ طبیعی قدیمی تر) و تجربیات خصوصی یک انسان مشاهده‌گر از جهان را واکاوی میکند درباره معانی سیاسی و فلسفی [آی] که در روابط میان انسان‌ها و جهان بزرگ‌تر وجود دارد، تعمق می‌کند. طبیعت نگاری از آغاز جنبش نقد بوم‌گرا از موضوعات محوری

² Ecology

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مورد علاقه نقد بوم گرا بوده است؛ مخصوصاً در موج اول این جنبش از نظر تاریخی، طبیعت نگاری محل های برون شهری تمرکز داشته است، اگرچه میتواند در بافت شهری هم به کار رود همانطور که منتقدان بوم گرا به طور فزاینده ای بر آن تأکید می کنند» [۵]. نقد بوم گرا اصطلاحی است که منتقدان برای نقد و مطالعه آثار مبتنی بر طبیعت نگاری و ادبیات محیط زیستی به کار میبرند در این آثار به ستایش، طبیعت نیروی حیات طبیعت بکر و وحشی پرداخته میشود. اغلب آثار داستانی فارسی را که طبیعت در آنها نمود پیدا کرده است میتوان جزء آثار طبیعت نگار یا ادبیات محیط زیستی دانست. در میان این آثار، بعضی از نویسندگان نسبت به طبیعت و محیط زیست دیدگاه متفاوتی دارند. دیدگاهی که به خطر افتادن محیط زیست را هشدار میدهد؛ البته این هشدار گاه مستقیم است و گاه به طور ضمنی و در لا به لای متن داستان به این موضوع اشاره کرده اند.

۵. نگاه نیما یوشیج به طبیعت

علی اسفندیاری معروف به نیما یوشی، شاعر صاحب سبک و نواندیش عصر حاضر که با سنت شکنی و بدعت گذاری در عرصه شعر معاصر توانست آوازه پدر شعر نو را برای خود کسب کند. بدون شک یکی از دلایل برجستگی شعر نیما بهره گیری وی از عناصر طبیعت است؛ به طور کلی، «در شعر نیمایی زبان وسیله وصف طبیعت بود». یکی از ویژگی های مهم شعر نیما، توجه شاعر به طبیعت، محیط و حتی گویشهای محلی زادگاهش است. نیما یوشیج به طبیعت شمال ایران، یعنی جنگل و دریا توجهی همیشگی داشته است هیچ چیز طبیعت را از یاد نمیبرد نگاه نیما به طبیعت و اجزای آن نگاهی دقیق است تا جایی که موجب یکی شدن او با طبیعت میگردد وصف ابر مه، دریا، کوه، جنگل، غروب، طلوع، باران، برف پاییز، باد، موج، طوفان جاده راه صبح شب و... وصف هایی که گاه تا مرز یگانگی با طبیعت پیش می رود [۶]. او شاعری است که به طبیعت زنده پیرامون خود عشق می ورزد. نیما و شعرش را میتوان «شاعر و شعری در حد والای آمیختگی و یگانگی انسان و طبیعت» دانست [۶]. طبیعت در نظر نیما وجودی مستقل و گاه همدم انسان است؛ به طور کلی شعر نیما، این اندیشه را به مخاطب القا می کند که طبیعت با او همدرد است. یگانگی و انسجام دستگاه نظری نیما در واقع در درک او از وحدت انسان و طبیعت شکل و تحقق گرفته است؛ یعنی اساس نظری و دستگاه ذهنی او به گونه ای است که هم طبیعت را مثل انسان میبیند و هم انسان را مانند طبیعت» [۷].

مسأله دیگری نیز که درباره طبیعت گرایی نیما قابل ذکر است این است که وی در اکثر موارد به توصیف محض طبیعت نمی پردازد. او شعر را به سوی زیبانگاری اجتماعی می برد؛ در مثل، با کلمه ها و تعبیر عامه مردم، تیرگی شب و کومه شالیکاران و گرسنگی فرزندان شب پای مازندرانی را مجسم می سازد. در واقع نیما با استفاده از عناصر طبیعتگاه عصر ظلم زده جامعه و گاه ایده هایش را به تصویر میکشد وصف طبیعت در شعر نیما از تصاویر باغ و راغ هزار ساله شعر فارسی بسیار فاصله دارد. نیما با تلاطمات طبیعت، تلاطم زندگی اجتماعی را به گونه ای محسوس به نمایش میگذارد [۸]. دید نیما نسبت به طبیعت بسیار گسترده است و به توصیف ساده آن محدود نمی شود. نیما می خواهد با پرداختن به طبیعت، لاقلاً برای اندک زمانی ما و اندیشه ما را از این زندگانی ماشینی برهاند و عواطف و احساسات انسانیمان را بیداری بخشد نیما خود را در قبال مسائل روزگارش مسئول میداند و شعر را ابزاری برای بیان این مسائل میداند خلاصه اینکه نگاه نیما به طبیعت به مثابه یک سیاح بازیگوش و گریخته از ماشینی نیست که یک نگاه لوکس

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

و توریستی به طبیعت دنج و آرام دارد؛ بلکه نگاهش دردمندانه و اجتماعی است و خواننده شعر نیما نگاه متعهدانه او را به طبیعت متوجه می‌شود [۸].

۶. نگاه سهراب سپهری به طبیعت

سهراب سپهری یکی از نامدارترین چهره‌های ادبی و هنری ایران در قرن معاصر است. یکی از شاعران معاصر که به طبیعت ارج نهاده و آن را جلوه‌گاه اندیشه‌ی ذهنی خود قرار داده، سهراب سپهری است. طبیعت‌گرایی و اهتمام به طبیعت و عناصر طبیعت از ویژگی‌های برجسته شعر سهراب است. زیباترین اشعار سهراب در توصیف طبیعت سروده شده است و نزدیک‌ترین و زیباترین رابطه با طبیعت در شعر معاصر، در شعرهای او متبلور گردیده است. «سپهری در میان شعرای معاصر یک شاعر طبیعت‌گر است تا جایی که بخش اعظم شهرت خود را مرهون این خصوصیت است. زبان او به طراوت باران و شعر او به زلالی آب چشمه ساران است؛ طبیعت را به سادگی می‌پذیرد و برای آن تقدس قائل می‌شود و این همان نکته‌ای است که شعرش را از دیگر اشعار معاصر امتیاز می‌بخشد.» [۹]. شعرهای سهراب، گویی تابلویی است که در آنها چشم اندازه‌های طبیعت از سنگ برگ بوته گیاه صخره، درخت و... نقاشی شده است. سهراب عاطفی‌ترین حالات خود را با رویکردی تازه و بدیع به طبیعت، در شعرش جاری می‌کند. «سهراب به طبیعت عشق می‌ورزید؛ مخصوصاً طبیعتی که دست آدمها به سوی آن دراز نشده بود و به بهانه‌شان زدن، زلف پریشانش را بدشکل نکرده بودند سکوت و سکون دشت و هامون، صدای آب و جویبار، گفت و گوی پرندگان او را از خود می‌گرفت و بیخود می‌کرد.» او شستن غبار عادت از چشم‌ها و برقرار کردن رابطه‌ای ساده با طبیعت را می‌خواهد. سهراب با طبیعت زندگی می‌کند و از آن درس می‌گیرد. او طبیعت را معلم راستین بشر میدانند. ارتباط سپهری با طبیعت ارتباطی بی‌واسطه است؛ همان ارتباطی که میان شاخه درخت و ریشه‌ی آن برقرار است. «طبیعت‌گرایی سهراب بیش از هر چیزی از سادگی روح و صفای باطن او ناشی می‌شود. سپهری در طول حیات، انسان وارسته‌ای بوده و صفای روستا را به تمدن شهری آمیخته با دروغ و ریا ترجیح داده است» [۱۰]. سپهری به طبیعت نگاهی دقیق دارد از دیدگاه سپهری تمام اجزای طبیعت دارای روح و حرکت است؛ به همین دلیل شخصیت بخشی به عناصر طبیعت از ویژگی‌های اصلی شعر سپهری است. در شعر سهراب «آدم احساس می‌کند چیزها را کمی عوضی می‌بیند؛ مثلاً به جای آنکه انسان در آب ماهی ببیند، احساس می‌شود که ماهی در آب به انسان مینگرد؛ این بازگونی بینی معنی‌اش این است که طبیعت بینا می‌شود؛ انسان، کور...» [۱۰]. او از طریق شخصیت بخشی به اشیا پیوند عمیقی با طبیعت برقرار می‌کند. سپهری جهان را یکپارچه زنده و جاندار می‌بیند؛ یعنی تمام عناصر جهان با او در حال غمزه‌اند و هر یک زبانی و دنیایی برای او می‌گشاید. در نگاه او تمامی طبیعت پیکره زنده‌ای است که جان دارد؛ نفس می‌کشد و برای او مصداقی از حیات است. طبیعت‌گرایی سپهری نمایانگر جستجوی او برای رسیدن به دامنه معرفت، بسیط اما جاندار حیات است [۱۱]. به طور کلی او با استفاده از تخیل قوی، همواره تمامی اشیا را زنده و دارای روح حیات می‌بیند و با آنها زندگی می‌کند، او با این شیوه توانسته است تأثیر عمیقی بر مخاطب بگذارد و آنها را با خود همراه سازد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۷. نگاه احمد شاملو به طبیعت

احمد شاملو مبدع شعر سپید در ایران، در سال ۱۳۰۴ در تهران متولد شد. شاملو یکی از بزرگترین شاعران و ادیبان قرن بیستم ایران است.

طبیعت همیشه از عناصر اولیه شعر در هر زمان و مکان است؛ به طوری که هیچگاه شعر را از طبیعت نمی توان تفکیک کرد. در شعر شاملو نیز جلوه های طبیعت به گونه ای زیبا و در قالب آرایه های ادبی نمود یافته است. در شعر وی طبیعت زنده است. او با استفاده از آرایه تشخیص زندگی و حیات را در تک تک عناصر هستی و اجزای طبیعت به تصویر کشیده است میتوان گفت برجسته ترین کار شاملو در حوزه عنصر تخیل، همین تشخیص است.

در شعر شاملو، توصیف و تصویرسازی، با بهره گیری از عناصر طبیعت صورت می گیرد. عنصر غالب در صورت های خیال شعر شاملو طبیعت است همه جا حضور طبیعت در شعر شاملو احساس میشود. عناصر و جلوه های طبیعت مانند خورشید، کوه، جنگل، آسمان، ابر، باران، برف گل درخت، سبزه و... فضای شعر شاملو را از عطر و زیبایی و رنگهای طبیعت سرشار کرده است و بدان وسعت و عظمت بخشیده است. وسعت و زیبایی های طبیعت قدرت القایی تصویرهای شعر شاملو را که در خدمت عواطف انسانی است، نه تنها شدت می دهد بلکه لطف و زیبایی، آن خواننده را به مکرر خواندن دعوت میکند بی گمان گذشته از عواطف عمومی و انسانی مطرح در شعر شاملو راز جاذبه آمیخته از زیبایی و شکوه حماسی آن را یکی هم باید مرهون همین غلبه عنصر طبیعت به خصوص عناصر بزرگ و پرشکوه طبیعت در شعر وی دانست [۱۲].

شاملو پیش از آنکه بخواهد با ذکر نام عناصر طبیعت در شعر خویش به توصیف آن عناصر پردازد، از آنها برای بیان رویدادها وقایع گوناگون اجتماعی مضمین انسانی و عاشقانه بهره برده است. به طور کلی، «در شعر شاملو، عناصر طبیعت در خدمت ساخت پرداخت تصاویر زیبا نیستند؛ بلکه بر آنند که از همان آغاز تقدیر شعر شاملو را به زندگی اجتماعی و مصائب آن پیوند دهند» [۱۳].

۸. نتیجه گیری

در این مقاله به بررسی ارتباط محیط زیست و ادبیات در قرن معاصر پرداختیم که با بررسی نگاه به طبیعت و اشعار سه شاعر یعنی نیما یوشیج، سهراب سپهری و احمد شاملو به این نتایج رسیدیم که:

نیما یوشیج

- نیما هیچ گاه با طبیعت اطرافش بیگانه نبوده است. شعرهایش نیز حاصل نگاه دقیق در حد مجذوبیت و آمیختگی دقیق او با طبیعت است. دستگاه ذهنی او به گونه ای است که انسان را همانند طبیعت می داند.
- نیما عاشق طبیعت است و همانند سریویلی شاعر، دلش برای تو گاه می تپد؛ از ابرهای روی کوه دلش می گیرد و چوپان و گله و نی و سگش او را به وجد می آورند.
- در نگاه نیما، طبیعت با عناصر زیبای خود همواره مایه آرامش نشاط و شادمانی بشر بوده است. یکی از ویژگی های اصلی شعرهای نیما که در جای جای آن به چشم میخورد، بر شمردن خوبی ها و زیبایی های طبیعت و روستا و در مقابل بد گفتن از شهر و شهرنشینی است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- نیما با به تصویر کشیدن گوشه ای از زندگی شبانی لذت بردن از یک به یک اجزای طبیعت را به مخاطب القا می کند و به بازنمایی نوعی ادبیات شبانی می پردازد؛ نیما در محیط روستایی و عشایری پرورده شد و خاطره زندگانی روستایی زیست و کار شبانی و کوچ نشینی و سرگرمی های ساده روستایی و عشیره ای و بیلاقی و قشلاق آنها، همیشه با او بود.
- نیمای دلبسته به طبیعت که دوران کودکی اش را تا دوازده سالگی در روستایی به دور از شهر، در دل طبیعت آزاد شمال که اطرافش را کوهستانهای سرسبز و زیبا احاطه کرده، زیسته است، ساخت دیوار را نشان از ویرانی میداند؛ نه سازندگی. او که تجربه زیستن در شهر را داشته است، با عناصر تخریبگر طبیعت در شهر آشنایی دارد و دیوار این سازه بلند را که جانشین گلها، درختان و حصار باغها می شود، نمادی از خرابی میداند.
- در نظر نیما، انسان و طبیعت دو جزء جدایی ناپذیرند؛ به طوری که با نابودی طبیعت، حیات انسان ها نیز به مخاطره می افتد.

سهراب سپهری

- سهراب سپهری از جمله شاعران معاصر است که نموده های ادبیات زیست محیطی را چه به صورت مستقیم و چه به طور غیر مستقیم در آثارش میتوان مشاهده کرد. در شعر سهراب، وجود انسان بسیار کمرنگ است؛ اما طبیعت حضوری قابل توجه دارد جهان مورد علاقه سپهری، جهانی غیر از این جهان نیست، همین جهان، همینجا و همین اکنون است؛ ولی جهانی طبیعی، جهانی با تمام زیبایی های طبیعت و طبیعتی بدون انسان است؛ چرا که اعمال انسان را عامل نابودی طبیعت میداند.
- سهراب در شعرش همواره به مقایسه فضای کهن و قلمروهای تمدن جدید معاصر می پردازد. شاعر، شهرنشینی و شلوغی آن را دیده و از هیاهوی شهر گریزان است؛ او طبیعت را مأمنی برای آرامش خود یافته است. سهراب انسان بدوی را به جهت اینکه با طبیعت در حین ، یگانگی است، موجود سعادت مندی میداند. او با بازگشت به طبیعت به دنبال سادگی گذشته و باغ های سبزی است که امروزه دیوارهای عصر مدرن بر آنها فروریخته است.
- در نگاه او تمامی طبیعت، پیکره زنده ای است که جان دارد؛ نفس می کشد و برای او مصداقی از حیات است. در نظر ، سهراب طبیعت نگرنده ای خاموش نیست و روزی از خود واکنشی نشان خواهد داد؛ این واکنش میتواند یک خار در دستان ما گزیده شدن با نیش مار و... باشد.
- از نگاه سهراب اگر قوانین حاکم بر طبیعت را بشناسیم و به آن احترام بگذاریم و عمل کنیم، از ، آن حمایت می شویم و اگر برخلاف قوانین عمل کنیم، به طور حتم با مشکلاتی زیست محیطی روبه رو خواهیم شد. سهراب مردمان عصر صنعت و فناوری را به خوبی شناخته است. او همیشه از عدم تعهد انسان نسبت به طبیعت گله مند است.
- سهراب از پیوند انسان با طبیعت سخن میگوید آنجا که وی نسب خود را به گیاهی در هند و یا به خاک سفالینه نسبت میدهد در واقع میخواهد این پیوند را مستحکم تر گرداند.

احمد شاملو

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- تفکر درباره انسان و سرنوشت او در جهان، بخش عظیمی از دغدغه های ذهنی شاعر را به خود اختصاص داده است. شاملو آن طور که در شعرهایش مطرح میکند به انسان توجه ویژه ای دارد و او را رب النوع می نامد شاملو با وجود اصالت بخشی به انسان از عناصر طبیعت غافل نشده است؛ چراکه طبیعت را تأمین کننده نیاز انسان میداند.
- شاملو از سکوت مزرعه سخن میگوید که با تعمیم این ویژگی به کل طبیعت، می توان آن را نمادی از انفعال طبیعت در مقابل ساخته ها و اقدام های بشر، دانست.
- شاملو با تغییر دادن هویت خود به سایه ابر، کفتر چاهی آهوی وحشی و ماهی دریا می خواهد خود را به طبیعت نزدیک کند و از زندگی در شهر و برجهای ویران به دامن کوه ها، دشت ها، صحراها و دریاها پناه برد.
- شاملو در انتظار روزهایی روشن و سراسر مهربانی است؛ روزهایی که عشق و دوستی بر همه جای جهان حکم فرما شود تا جایی که کبوترها و سایر جانداران نیز از این عشق و مهربانی بهره مند شوند.
- شاملو از جان هایی که در راه آبادی و سرسبزی سرزمین داده شده است، سخن می گوید. او، جان هایی را توصیف می کند که به خاطر یک برگ، یک قطره، به خاطر پرستوی در باد، شبنم: نشسته بر روی برگ، به خاطر کندوها و زنبورهای کوچک و... از پا افتاده اند. او با این تصویرها به نوعی به ارزش این موارد اشاره می کند و خواننده را به حفاظت از این منابع ترغیب می کند.
- شاملو انسان را موجودی توصیف میکند که جهان و طبیعت را به بند میکشد و با اعمال نابود کننده خود دریاها و کوه ها را در هم میشکند و نظم طبیعت را برهم می زند.
- شاملو کودک متولد شده از سان را عصاره ای از پیوند اساطیری عناصر طبیعت میداند که نه تنها با عناصر طبیعت خویشاوند است، بلکه اجزای وجودی خود را از عناصر طبیعت وام گرفته است. در ادامه، شاملو خود را فرزند طبیعت می نامد و طبیعت را پدر خطاب می کند.

به طور کلی، شاعران می توانند با بهره گیری از عنصر خیال، عاطفه، زبان آهنگین، شیوه های بیانی مختلف و شگردهای شاعری مصایب و مشکلات زیست محیطی را به تصویر بکشند و راهی برای بیرون رفت از بحران های زیست محیطی ارائه دهند.

۱۲. مراجع

۱. پارساپور، زهرا؛ نقد بوم گرا رویکردی نو در نقد ادبی، نقد ادبی، دوره ی پنجم، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۹۱، صفحات ۲۶-۷.
۲. پارساپور، زهرا؛ درباره ی نقد بوم گرا، ترجمه عبدالله نوروزی و حسین فتحعلی، چاپ اول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۲.
۳. ذوالفقاری، حسن؛ مبانی محیط زیست، چاپ دوم، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ۱۳۹۱.
۴. ذکاوت، مسیح؛ درآمدی بر بوم نقد، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نظریه و نقد ادبی در ایران، خانه کتاب، تهران، پاییز ۱۳۹۰.
۵. محمدیان، منصور؛ علم بوم شناسی (برنامه ای برای آموزش لیسانس)، محیط شناسی، شماره ۶، ۱۳۵۵، صفحات ۱۴-۷.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۶. حقوقی، محمد؛ شعر زمان ما (۵)، چاپ ششم، نگاه، تهران، ۱۳۸۴.
۷. صدیقی، محمد؛ رویکرد جدید نیما به طبیعت، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۸۵، پاییز ۱۳۸۷، صفحات ۵۳-۵۱.
۸. رضوانیان، قدسیه؛ تصویرپردازی در شعر فارسی از دیدگاه جامعه شناختی، مجله علامه، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۸۷، صفحات ۱۹۲-۱۷۳.
۹. خاتمی کاشانی، زهرا؛ افسون گل سرخ طبیعت گرایی در شعر سهراب سپهری، پژوهش های مدیریت راهبردی، شماره های ۲۱-۲۲، تابستان ۱۳۷۹، صفحات ۲۰۷-۲۰۲.
۱۰. رحیمی راد، ابوالفضل؛ طبیعت گرایی در جهان بینی سهراب سپهری، آزما، شماره ۶۵، زمستان ۱۳۸۸، صفحات ۳۶-۳۴.
۱۱. عابدی، کامیار؛ از مصاحبت آفتاب (زندگی و شعر سهراب سپهری)، چاپ اول، روایت، تهران، ۱۳۷۵.
۱۲. پورنامداریان، تقی؛ سفر در مه، چاپ اول، زمستان، تهران، ۱۳۷۵.
۱۳. سلاجقه، پروین؛ نقد شعر معاصر: امیرزاده کاشی ها (شاملو)، چاپ اول، مروارید، تهران، ۱۳۸۴.